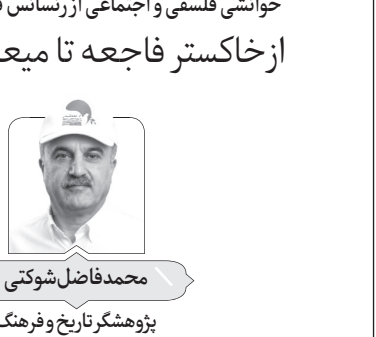


<span><b>خوشانی فلسفی و اجتماعی از رنسانس فرهنگی سردشت:</b></span>	
<div><b>از خاکستر فاجعه تا میعادگاه صلح</b></div>	



پژوهشگر تاریخ و فرهنگ

بمباران شیمیایی سردشت در هفتم تیرماه ۱۳۶۶، صرفاً صفحه‌ای تلخ از جنگ هشت‌ساله نیست؛ نقطه‌ای تعیین‌کننده در تاریخ حقوق بین‌الملل، مطالعات تروما و جامعه‌شناسی جنگ است. سردشت نخستین شهر جهان بود که پس از هیروشیما و ناگازاکی، جمعیت غیرنظامی آن به‌طور مستقیم هدف حمله گسترده با جنگ‌افزارهای شیمیایی قرار گرفتند؛ فاجعه‌ای که بیش از ۱۱۰ شهید و هزاران جانباز شیمیایی با عوارض پایدار گاز خردل بر جای گذاشت. با این حال، امروز سردشت نه شهری منجمد در غلظت مظلومیت، بلکه مکتبی پیشرو در «تاب‌آوری جمعی» و «رنسانس فرهنگی» است؛ جامعه‌ای که توانست روایت خود را از «قربانی بودن» به «شنسگری اجتماعی» و «سفر صلح جهانی» تغییر دهد. شارل روسو در توصیف ماهیت جنگ می‌نویسد: «جنگ به‌هیچ‌وجه رابطه انسان با انسان نیست، بلکه رابطه دولت با دولت است؛ در این میان، افراد غیرنظامی تنها به‌گونه‌ای اتفاقی دشمن یکدیگر می‌شوند.» این نگاه، ابعاد فاجعه سردشت را روشن‌تر می‌کند؛ جایی که هدف اصلی خشونت سازمان‌یافته، شهروندان بی‌دفاع بودند. امروز، یاد سردشت یادآور توانایی یک جامعه برای بازسازی خویش و تبدیل رنج تاریخی به سرمایه‌ای فرهنگی برای ترویج صلح و آگاهی جهانی است.

**تحلیل تطبیقی: سردشت در جغرافیای جهانی صلح‌سازی**

برای فهم عمیق‌تر این رنسانس، باید تجربه زیسته سردشت را در کنار دیگر شهرهای آسیب‌دیده جهان بررسی کرد تا چگونگی گذار از جایگاه قربانی به کنگسگر صلح آشکار شود. **سردشت و هیروشیما:** هیروشیما پس از فاجعه اتمی ۱۹۴۵، ترومای جمعی خود را به منبعی برای تولید سرمایه فرهنگی و دیپلماسی عمومی تبدیل کرد. سردشت نیز با تغییر گفتمان عمومی از رنج صرف به امید، صلحی در ارتباط فعال با مجمع جهانی «شهرداران صلح»، مسیری مشابه را پیموده است. **سردشت و ایپر:** شهر ایپر در بلژیک، شاهد نخستین کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی در جنگ جهانی اول بود و حافظه جنگ را به پروژه‌های پژوهشی و آموزشی تبدیل کرد. در سردشت نیز نخبگان با مستندسازی اسناد و روایت‌ها، گام‌های مهمی در حفظ حافظه تاریخی برداشته‌اند. **سردشت و حلبچه:** فاجعه سردشت پیش‌درآمد حمله شیمیایی به حلبچه بود. وجه مشترک این دو شهر، تبدیل رنج تاریخی به مطالبه‌ای در سطح بین‌المللی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد و حضور جانبازان در مجامع جهانی است؛ گامی که سردشت را به بخشی از حافظه اخراقی جهان تبدیل کرد.

**رنسانس فرهنگی: گذار به نشاط، محیط زیست و مهرپایی**

برخلاف مدل‌های سنتی بازسازی که صرفاً بر ابعاد عمرانی تمرکز دارند، خیزش بومی سردشت بر ترمیم روح جمعی و احیای سرمایه اجتماعی متمرکز است. در این مسیر، هنرمندان و نویسندگان با پیوندنن تروماهای شهر به طبیعت زاگرس، رابطه انسان و حافظه تاریخی را بازتعریف کرده‌اند. برگزاری رویدادهای مدنی، جشنواره‌های بومی، موسیقی و هنرهای شهری، پاسخی خلاقانه برای غلبه بر افسردگی پساحادته و تزریق نشاط اجتماعی به بدنه شهر بوده است. همچنین ترویج فرهنگ صلح در مدارس، تأسیس مراکز آموزشی و خیریه و شکل‌گیری انجمن‌های مدنی پویا، نهادی می‌دهد صلح در سردشت از سطح معمار فراتر رفته و به بخشی از زیست روزمره جامعه تبدیل شده است.

**منشور مطالبات راهبردی و چالش‌های پیش رو**

تحقق کامل این رنسانس فرهنگی و اجتماعی، مستلزم ایفای نقش مسئولانه نهادهای ملی، رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در سه سطح کلان است:
**۱. انتظار از نظام حکمرانی:** ثبت رسمی هفتم تیرماه با عنوان «روز ملی کهنسنگ» برای صلح و منع سلاح‌های شیمیایی، بر تقویم رسمی، ثبت جهانی میراث مادی و معنوی فاجعه، تخصیص بودجه پایدار برای تکمیل موزه صلح سردشت و توسعه زیرساخت‌های «گرگ‌شگری صلح و حافظه»، از مهم‌ترین مطالبات راهبردی این شهر است.
**۲. انتظار از رسانه‌های جمعی:** رسانه‌ها باید از بازنمایی صرفاً تراژیک و محدود به سالگرد‌ها فراتر روند و با معرفی سردشت به عنوان نماد تاب‌آوری، ظرفیت‌های مدنی و پروژه‌های فرهنگی جاری در این شهر را به افکار عمومی معرفی کنند.
**۳. انتظار از سازمان‌های بین‌المللی:** نهادهای جهانی می‌توانند با حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد محلی و تسهیل ارتباط سردشت با شهرهای هم‌تجربه جهان، به تقویت دیپلماسی حافظه و عدالت کمک کنند. با وجود این افق روشن، سردشت همچنان با چالش‌های ساختاری جدی مواجه است. کمربند ساخت‌یافته ابعاد فاجعه در حافظه جمعی، ضعف در انتقال تجربه تاریخی به نسل‌های جدید، مشکلات اقتصادی، بیکاری و کمبود زیرساخت‌های درمانی متناسب با وضعیت جانبازان، از موانع پیش‌روی توسعه پایدار این شهر است. افزون بر این، بسیاری از کنگسگران بر این باورند این فاجعه نیازمند بازخوانی انتقادی و چندلایه‌ای است که ابعاد هویتی، انسانی و حقوقی آن را به‌درستی تبیین کند.

**سخن پایانی**

پس از گذشت نزدیک به چهار دهه، مردم سردشت ثابت کردند صلح در غیاب جنگ تعریف نمی‌شود، بلکه یک اراده جمعی، یک رنسانس فرهنگی و یک کنش مداوم است. سردشت امروز در نقطه‌ای ایستاده که حافظه رنج می‌تواند موتور محرک توسعه و آگاهی باشد. اگر هیروشیما توانست از دل ویرانی به نماد جهانی صلح تبدیل شود، سردشت نیز ظرفیت آن را دارد که به الگوی منطقه‌ای تاب‌آوری و عدالت تاریخی بدل شود؛ الگویی استوار بر یادآوری مسئولانه گذشته برای ساختن آینده‌ای روشن‌تر. سردشت بیش از آنکه یادآور مرگ باشد، امروز نشانه پیروزی زندگی بر ویرانی و امید بر ناامیدی است.

<div><div><span><span></span></span></div><div><div>شماره: ۲۲۵۶-۲۰۲۰۰۷۰۰۵۶-۱۴۰۵</div><div>تاریخ: ۱۴۰۵-۲۳/۱۱</div></div></div>	
<div><div><div><div><div><div><span></span></div><div><b>قوه قضائیه</b></div></div></div><div><div><div><span></span></div><div><b>سازمان ثبت اسناد و املاک کشور</b></div></div><div><div><span></span></div><div><b>اداره ثبت اسناد و املاک استان اهواز</b></div></div></div><div><div><div><span></span></div><div><b>اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فلاورجان</b></div></div></div></div></div></div> <div><b>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵-۲۳/۱۱</b></div>	
<div><div><div><div><span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div>عباس عزیزی دیماندول – رئیس ثبت اسناد و املاک ۲۳۳۲</div></div></div></div><div></div></div></div></div>	

از ۱۳۶۶ تا امروز؛ ادامه رنج جسمی و روانی هزاران مصدوم در سایه زیرساخت‌های درمانی فرسوده

# نفس‌های مسموم؛ میراث ۳۹ ساله سردشت

مصدومان شیمیایی سردشت پس از ۴ دهه، هنوز برای درمان ناچارند به ارومیه و تهران سفر کنند



عوامل شیمیایی شد، درحالی‌که پیش از آن نیز بیش از ۶۰ بار بمباران معمولی شده بود و حتی در آذر ۱۳۵۹، با تقدیم ۹ شهید، بالاترین آمار شهدای استان آذربایجان غربی را در یک روز داشت». محمودی با اشاره به کانون‌های اصلی فاجعه می‌گوید: «سه کانون متراکم و حیاتی در داخل شهر هدف قرار گرفت؛ چهارراه آزادی، مقبره شیخ رسول مشرف به سرچشمه و منزل حاج رسول نریمانی. اما در خارج از شهر، فاجعه بار خود را بر دوش روستاهایی همچون «رش‌هرمه» انداخت؛ جایی که نام آن با تراژدی ماندگار زنده‌یاد «قادر مولان‌پور» گره خورده است. عمو قادر که همسر و فرزندانش را در این جنایت از دست داد و یکی از دخترانش در هیاهوی فاجعه مفقود شد و تا پایان عمر اثری از او یافت نشد، نماد مظلومیت این دیار بود. شهادت و روایت‌های مستند او در دادگاه لاهه، در نهایت منجر به صدور حکم ۱۵ سال زندان برای تاجر فرانسوی فروشنده مواد شیمیایی به صدام شد؛ حکمی که از سنگین‌ترین آرای آن دادگاه به شمار می‌رفت. با این حال، تلخی ماجرا اینجاست‌که اعضای خانواده مولان‌پور هرگز به‌طور رسمی به عنوان شهدای شیمیایی شناخته نشدند و خود او نیز با وجود آسیب‌های شدید پوستی و تنفسی، از عنوان جانبازی و حمایت‌های مالی محروم ماند؛ تا جایی که به دلیل تنگدستی، توان تهیه آمپول‌های تسکین‌دهنده خود را به صورت دو هفته یک بار نداشت و گاه هر چندماه یک بار به آنها دسترسی پیدا می‌کرد».

این پژوهشگر تاریخ شفاهی به مورد تکان‌دهنده دیگری اشاره می‌کند که به تازگی رخ داده است: «همین هفته گذشته، ما مرحوم «مصطفی اسدزاده» را به‌تازگی از دست دادیم؛ مردی که ۱۱ نفر از اعضای خانواده خود را در این بمباران از دست داده بود. او که در روز حادثه در کسوت سربازی خارج از خانه بود، در لحظه اول مصدوم نشد، اما بعدها به دلیل بازگشت به خانه و استفاده از وسایل و پتوهای آلوده به گاز خردل، دچار مصدومیت شدید شیمیایی شد و به عنوان تنها بازمانده آن خانواده برچمعیت، سال‌ها رنج تنهایی و خفگی را به دوش کشید تا سرانجام او نیز آسمانی شد».

#### برگریزان آدم‌ها

«ریزان محمودی»، در ادامه گفت‌وگو با «شرق»، ناگاهی مطلق مردم و فلج‌بودن زیرساخت‌های درمانی در ساعات اولیه وقوع فاجعه را تصویر می‌کند: «به دلیل سابقه بمباران‌های مکرر قبلی، مردم طبق عادت برای امدادرسانی به سمت محل انفجار راکت‌ها دویدند و همین حضور در کانون آلودگی، آمار مصدومان را به‌طور تصاعدی افزایش داد. فقط با گذشت چند ساعت و بروز علائمی همچون تهوع شدید و تاول، بلندگوهای مساجد اعلام کردند شهر هدف حمله شیمیایی قرار گرفته است. در آن زمان محلی به نام «نقاگاهک ش‌مر» در شهر دایر شده بود. اما کسی معنای این اختصار را نمی‌دانست». رحیم علی‌دوست از شاهدان عینی که به واسطه خدمت در ارتش با مفاهیم جنگ نوین آشنا بود، در خاطرات وضعیت بیمارستان سردشت در آن ساعات را به «برگریزان پاییز» تشبیه می‌کند: «انبوهی از مصدومان بی‌پناه روی زمین افتاده بودند و کادر درمان بدون تجهیزات، فقط به تزریق آرتروپین و آنتی‌بیوتیک بسنده می‌کردند. در سردشت نه بیمارستانی مجهز و نه داروی اختصاصی وجود داشت. مستولان نیز در شوک بودند و حتی مصدومانی که بعدها به ایالتیا، بلژیک و اسپانیا اعزام شدند، می‌گفتند پزشکان خارجی پروتکل درمانی این گاز را نمی‌دانستند و ما احساس می‌کردیم به موش آزمایشگاهی پزشکان غربی برای مطالعه عوارض خردل تبدیل شده‌ایم». او نحوه تخلیه مصدومان به شهرهای دیگر را روایتی جانکاه می‌داند: «صندلی‌های اتوبوس‌های بزرگ را باز می‌کردند، کف آن موکت می‌انداختند و مصدومان را به صورت خوابیده به یانه، تبریز و تهران می‌فرستادند؛ اتوبوس‌هایی که بوی تند و غریب گاز خردل در فضای آنها می‌پیچید و مجروحان از شدت تورم اعضا، ضجه می‌زدند. مثلاً زنی که التماس می‌کرد النگوهایش را بشکنند تا دست متورمش آرام گیرد و در نهایت از شدت درد بیهوش شد. در بیمارستان تازه‌تأسیس تبریز نیز امکانات در حد صفر بود. آقای علی‌دوست تعریف می‌کند اکسیژن در آن شرایط حاد حکم حیات را داشت؛ دو دختر آواره جنگ‌زده از درد ریه ضجه می‌زدند و وقتی ماسک کیسول اکسیژن پدرش را چند دقیقه روی صورت آنها گذاشته، آرام شدند، اما وقتی به پزشک اصرار کرده، با افسوس گفته بود به‌جز همین یک کیسول، هیچ کیسول اکسیژن دیگری در کل بیمارستان نداریم. بعدها در تهران، فقط پزشکان هندی با توصیه به تخلیه تاول‌ها و شست‌وشوی مداوم توانستند اندکی از بار دردها بکاهند».

## پرونده

#### زیست‌بوم

**سردشت یعنی عشق به زاگرس؛ عامل تاب‌آوری ایران**



محمد دروش\*

امروز - هفتم تیرماه ۱۴۰۵- برابر است با سی‌ونهمین سالگرد حمله شیمیایی صدامیان به سردشت عزیز و قهرمان؛ بمبارانی کور و ناجوانمردانه‌که مصداق بارز یک جنایت جنگی غیرقابل باور، هم‌ردیف با نشان نارنجی در جنگ ویتنام است. با وجود این، اهالی سردشت تاب آوردند و از آن رخداد تلخ یک نماد از مقاومت، همبستگی و عشق به ایران، زاگرس و بلوط آفریدند. در واقع مردم سردشت سال‌هاست می‌کوشند تاب‌آوری را به زاگرس برگردانده و ظرفیت خود را در هدملی و وفاق ملی نشان دهند. اما ایران و ایرانی در جای‌جای وطن هم وظیفه‌ای دارد تا شایسته‌تر به این مقاومت و مظلومیت ادای دین کند. نگاه کنید به سازه‌های وزین و آیین‌های پرشگوهی که رهبران زاین هر سال در یادمان جنایت آمریکا در هیروشیما و ناگازاکی برقرار می‌کنند تا یاد مردم و سیاست‌مداران خود و جهان بیندازند که جقدر استفاده از سلاح‌های نامتعارف می‌تواند تبعاتی جبران‌ناپذیر، شرم‌آور و نابخشودنی در وجدان عمومی و تاریخ باقی نهد. مشابه چنین مراسمی کشور ویتنام در سالگرد عملیات شیمیایی و مرگبار ارتش آمریکا -موسوم به نشان نارنجی- که تبعات محیط‌زستی وحشتناکی هم باقی نهاد- هر سال برگزار می‌کند و اروپایی‌ها و آمریکا -چه برنده‌ها و چه بازنده‌ها- مراسم مشابهی در سالروز پایان جنگ جهانی دوم در سواحل ژرمانی برگزار می‌کنند. به همین ترتیب، سردشت هم می‌تواند به قلب بزرگ‌ترین نهضت ضدجنگ در منطقه و صدق‌عینی شعار دولت ایران، یعنی جهان‌های از خشونت بدل شود. ایرانیان با مقاومت سزاورانه در برابر دو قدرت منطقه‌ای و جهانی -اسرائیل و آمریکا- در جنگ رمضان نشان دادند هرچند اگر خود شروع‌کننده هیچ جنگی نبوده‌اند، اگر لازم باشد مثل مردم شریف سردشت در چهار دهه پیش، بیای ایران می‌مانند و سزاور توجیهی درخورتر در جامعه جهانی هستند.

باید هر سال در هفتم تیرماه فعالان معتبر بین‌المللی و ضدجنگ را دعوت کرد تا در آیینی وزین و ملی شرکت کرده و به این ترتیب یاد مردم جهان بیندازیم که ایران خود یکی از قربانیان جنگ، نفرت‌پرکنی و استفاده از سلاح‌های متعصارف است و به این ترتیب پروژه ایران‌هراسی را عقیم نهاده و اجازه ندهیم فجایعی چون بمباران سردشت، مدرسه میناب و لامرد دوباره تکرار شوند. ما باید انعکاس چیزی باشیم که می‌خواهیم در دیگران ببینیم. اگر عشق، صلح، احترام به اقوام، نفسی نژادپرستی و عدالت می‌خواهیم، خود باید مصداق بارز نفی خشونت، طرد غیرالگوری شهروندی یا نشان شهروند درجه یک و دو… بوده و از شجاعت و درایت لازم برای گفت‌وگو و نوشتن کینه‌ها روی یخ برخورد باشیم. ما باید ثابت کنیم فرزندان شایسته ابوالحسن خرقانی هستیم و هرگز از ایمان مردمی که ایران را دوست دارند، نمی‌رسیم.

**مدیرکل سابق مشارکت مردمی سازمان محیط زیست**

#### خبر

#### ۱۰۸ قربانی تصادفات نوروزی

سازمان پزشکی قانونی اعلام کرد: در ۱۴۰۴ تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۵، هزارو ۸۱ نفر جان خود را از دست دادند که این عدد در مقایسه با مدت مشابه سال قبل با آمار هزارو ۱۷۹ نفر، ۸۰۳ درصد کاهش یافته است.مجموع فوت‌شدگان حوادث جاده‌ای نوروز امسال شامل ۸۳۹ نفر مرد و ۲۴۲ زن بوده است. در این مدت استان‌های فارس با ۱۰۵ نفر، سیستان‌بلوچستان با ۸۸ نفر و خراسان رضوی با ۸۵ نفر به ترتیب بیشترین و استان‌های ایلام با ۱۰ نفر، چهارمحال‌وختیاری با ۱۲ نفر و قم، زنجان و البرز هرکدام با ۱۴ فوتی کمترین آمار تلفات تصادفات را داشته‌اند. در نوروز سال ۱۴۰۵، ۲۱۸۱ نفر در تصادفات درون‌شهری، ۸۱۰ نفر در حوادث رانندگی برون‌شهری و ۵۱ نفر در مسیرهای روستایی جان باخته‌اند و محل فوت باقی قربانیان حوادث رانندگی، سایر مسیرها تعیین شده است.